

NO GEPH

NO GEPH

NO GEPH  
NO GEPH  
NO GEPH  
NO GEPH  
NO GEPH  
NO GEPH  
NO GEPH

## خوشنویسی

خوشنویسی یا خطاطی به معنی زیبانویسی یا نوشتن همراه با خلق زیبایی است و فردی که این فرایند توسط او انجام می‌گیرد خوش نویس نام دارد .به‌خصوص زمانی که خوش نویسی حرفه ی شخص باشد|| گاهی درک خوشنویسی به عنوان یک هنر مشکل است|| به نظر می‌رسد برای درک و لذت بردن از تجربه بصری خوشنویسی باید بدانیم خوشنویی افزون بر نگارش یک متن سعی داشته اثری هنری با ارزش‌های زیبایی شناختی خلق کند||۱|| از این رو خوشنویسی با نگارش سادهٔ مطالب و حتا طراحی حروف و صفحه‌آرایی متفاوت است|| همچنین از آنجایی که این هنر جنبه‌هایی از سنت را در دل خود دارد باید آن را تا حدی از تایپوگرافی که مبتنی بر ارزش‌های گرافیکی مدرن و کارهای چاپی است متمایز کرد|| خوشنویسی تقریباً در تمام فرهنگ‌ها به چشم می‌خورد اما در مشرق زمین و به‌ویژه در سرزمین‌های اسلامی و ایران در قله هنرهای بصری واقع است|| خوشنویسی اسلامی و بیش از آن خوشنویسی ایرانی تعادلی است حیرت‌انگیز میان تمامی اجزا و عناصر تشکیل دهندهٔ آن|| تعادل میان مفید و مورد مصرف بودن از یک سو و بویایی و تغییر شکل یابندگی آن از سوی دیگر تعادل میان قالب و محتوا که با آراستگی و ملایمت تام و تمام می‌تواند شکل مناسب را برای معانی مختلف فراهم آورد|| اگر در نظر داشته باشیم که خوشنویسی اسلامی و ایرانی براساس قالب‌ها و قواعد و نظام‌های بسیار مشخصی شکل می‌گیرد و هر یک از حروف قلم‌های مختلف از نظام شکلی خاص و تا حدود زیادی غیرقابل تغییر برخوردارند|| آنگاه درمی‌یابیم که ایجاد قلم‌های تازه و یا شیوه‌های شخصی خوشنویسان بر مبنای چه ابداع و رعایت حیرت‌انگیزی پدیدار می‌شود|| در خوشنویسی اندازه هر حرف و نسبت آن با سایر حروف با دقت بسیار بالایی معین شده‌است و هر حرف به صورت یک «مدول» ثابت درمی‌آید که تخطی از آن به‌منزله نادیده گرفتن توافقی چندصدساله‌است که همیشه میان خوشنویس و مخاطب برقرار بوده و با رضایت طرفین حاصل می‌آمده‌است|| حتی ترتیب شکل کلمات نیز براساس میانی مشخصی تعیین می‌شده که در «رسم‌الخط»ها و «آداب‌المشق»ها از جانب اساتید بزرگ تنظیم و ارائه شده‌است|| قرارگیری کلمات نیز یعنی «کرسی» هر سطر هر چند نه به صورت کاملاً پیش‌بینی و تکلیف شده که ناممکن بوده‌است اما به‌شکل «سلیقه مطلوب» زمینه زیبایی شناختی پیشنهادی خاص خود را دارا بوده‌است||

خوشنویسی اسلامی خوشنویسی همواره برای مسلمانان اهمیتی خاص داشته‌است|| زیرا در اصل آن را هنر تجسم کلام وحی می‌دانسته‌اند|| آنان خط زیبا را نه فقط در استنساخ قرآن بلکه در اغلب هنرها به‌کار می‌بردند||۵|| خوشنویسی یا خطاطی در کلیه کشورهای اسلامی همواره به عنوان والاترین هنر مورد توجه بوده است|| مردمان این سرزمین‌ها به‌ویژه ایرانیان در اوج قدرت و نهایت ظرافت در این هنر تجلی یافت و خوشنویسی به مانند محوری در میان سایر هنرهای بصری ایفای نقش کرده‌است|| خوشنویسی از قرون اولیه اسلامی تا کنون در کلیه کشورهای اسلامی و مناطق تحت نفوذ مسلمانان با حساسیت و قدرت تمام در اوج جریانات هنری بوده‌است|| قدیمی‌ترین نسخه قرآن به خط کوفی است و به علی بن ابی‌طالب منسوب است|| پس از قرن پنجم هجری خط کوفی تقریباً جای خود را به خط نسخ داد که حروف آن بر خلاف حروف زاویه‌دار خط کوفی منحنی و قوس‌دار است||۶|| در اوایل قرن چهارم سال ۳۱۰ هجری قمری ابن مقله بیضاوی شیرازی خطوطی را بوجود آورد که به خطوط ششگانه یا اقلام سه سته معروف شدند که عبارتند از||۷|| محقق ریحان ثلث نسخ رقا و توقیع|| که وجه تمایز آنها اختلاف در شکل حروف و کلمات و نسبت سطح و دور در هر کدام می‌باشد|| همچنین او برای این خطوط قواعدی وضع کرد که به اصول دوازده‌گانه خوشنویسی معروفند و عبارتند از||۸|| ترکیب کرسی نسبت ضعف قوت سطح دور صعود مجازی نزول مجازی اصول صفا و شان||۷|| یک قرن بعد از ابن مقله ابن بواب برای خط نسخ قواعدی تازه ایجاد کرد و این خط را کامل نمود در قرن هفتم جمال الدین یاقوت مستعصمی به این خط جان تازه‌ای بخشید و قرآن کریم را برای چندین بار کتابت نمود||۸||

خوشنویسی ایرانی درحالی که عمدهٔ تبدیل نگارش معمولی کلمات به خوشنویسی هنرمندانه به عهده ایرانیان بوده‌است رفته رفته ایرانیان سبک و شیوه‌هایی مختص به خود را در خوشنویسی ابداع کردند|| هرچند این شیوه‌ها و قلم‌های ابداعی در سایر کشورهای اسلامی هم طرفدارانی دارد اما بیشتر مربوط به ایران و کشورهای تحت نفوذ آن همچون کشورهای آسیای میانه افغانستان پاکستان و هند می‌باشد|| در این منطقه نیز خوشنویسی همواره به عنوان والاترین شکل هنرهای بصری مورد توجه بوده و دارای لطافتی خاص است|| در ایران پس از فتح اسلام خطاطی به شیوهٔ نسخ وجود داشت|| در زمان حکومت ایلخانیان اوراق مذهب کتاب‌ها نخستین بار با نقشی‌های تزئینی زینت یافت|| در زمان حکومت تیموریان در ایران خط و خوشنویسی به اوج کمال خود رسید|| میرعلی تبریزی با ترکیب خط نسخ و تعلیق خط نستعلیق را بنیان نهاد|| مشهورترین خطاط قرآن در این دوره بایسنقر میرزا بود||۹|| آنچه که به عنوان شیوه‌ها یا قلم‌های خوشنویسی ایرانی شناخته می‌شود بیشتر برای نوشتن متون غیر مذهبی نظیر دیوان اشعار قطعات ظریف هنری و یا برای مراسلات و مکاتبات اداری ابداع شده و به‌کار رفته‌است|| این در حالی است که خط نزد اعراب و ترکان عثمانی بیشتر جنبه دینی و قدسی داشته‌است|| هرچند آنان نیز برای امور منشی‌گری و غیر مذهبی قلم‌هایی را بیشتر به‌کار می‌بردند اما اوج هنرنمایی آنان بر خلاف خوشنویسان ایرانی در خط ثلث و نسخ و کتابت قرآن و احادیث قابل رویت است|| در ایران نیز برای امور مذهبی مانند کتابت قرآن یا احادیث و روایات و همچنین کتیبه‌نویسی مساجد و مدارس مذهبی بیشتر از خطوط ثلث و نسخ بهره می‌گرفتند که نزد اعراب رواج بیشتری دارد|| هرچند ایرانیان در این قلم‌ها نیز شیوه‌هایی مجزا و مختص به خود آفریده‌اند|| خط تعلیق را می‌توان نخستین خط ایرانی دانست|| خط تعلیق که ترسل نیز نامیده می‌شد از اوایل قرن هفتم پا به عرصه گذاشت و حدود یکصد سال دوام داشت تعلیق از ترکیب خطوط نسخ و رقا و به وجود آمد و کسی که این خط را قانونمند کرد خواجه تاج سلمانی بود|| که بعدها به وسیله خواجه عبدالحی منشی استر ابادی بدان قواعد و اصول بیشتری بخشیده شد||۱۰|| پس از خط تعلیق که نخستین خط شکل گرفته ایرانی بود|| در قرن هشتم میرعلی تبریزی ۸۵۰ هجری قمری|| از ترکیب و ادغام دو خط نسخ و تعلیق خطی بنام نسخ‌تعلیق بوجود آورد که نام آن در اثر کثر استعمال به نستعلیق تغییر پیدا کرد|| این خط بسیار مورد اقبال واقع شد و موجب تحول عظیمی در هنر خوشنویسی گردید||۱۱|| و بعدها در دوران شاه عباس صفوی به دست میرعماد حسنی به اوج زیبایی و کمال رسید|| خط نستعلیق علاوه بر خوشنویسانی که در حیطه ایران کنونی می‌زیستند|| در خراسان بزرگ و کشورهای آسیای میانه افغانستان و به‌ویژه خوشنویسان دربار گورکانیان در هندوستان|| که تعلق خاطر ویژه‌ای به فرهنگ ایرانی داشتند|| رشد و پیشرفت قابل توجهی کرد|| بطور کلی قرنهای نهم تا یازدهم هجری را می‌توان قرن‌های درخشان در هنر خوشنویسی در ایران دانست|| در اواسط قرن یازدهم سومین خط خالص ایرانی یعنی شکسته نستعلیق به دست مرتضی قلی خان شاملو حاکم هرات با تغییر دادن خط نستعلیق ابداع شد|| علت پیدایش آن را می‌توان به سبب نیاز به تندنویسی و راحت‌نویسی در امور منشی‌گری و بیش از آن ذوق و خلاقیت ایرانی دانست|| همانطوری که بعد از پیدایش خط تعلیق ایرانیان به‌خاطر سرعت در کتابت شکسته تعلیق آن‌را نیز بوجود آوردند||۱۲|| درویش عبدالمجید طالقانی این خط را به کمال رساند|| در دوران قاجار خط کاربرد اصلی خود یعنی کتابت را از دست داد|| از یک سو با تاکید و توسعه سیاه‌مشق‌نویسی به سمت هنر ناب رفت و از دیگر سو با پدید آمدن روزنامه‌ها و چاپ سنگی خود را به هنرهای کاربردی نزدیک شد|| در دوران پهلوی روند نیازهای مدرن تجاری و تبلیغی حط را از کنج کتابخانه‌ها و مجموعه‌های خصوصی به بستر اجتماع کشاند و جریانات هنری مدرنی شیوه‌هایی چون نقاشیخط را به‌وجود آوردند که کماکان مورد توجه محافل هنری جهان است|| در سالهای پس از انقلاب اسلامی خوشنویسی با اقبال عمومی روبرو شد و انجمن خوشنویسان ایران که در سال ۱۳۲۹ تشکیل شده بود نقش بارزی در رشد و توسعه کمی و کیفی این هنر به عهده گرفت|| همچنین خطی به نام معلی در سال‌های اخیر با تأثیر از خطوط اسلامی ایرانی ثلث و شکسته نستعلیق توسط آقای حمید عجمی ابداع گردید که تاحدی مورد استقبال قرار گرفت|| آخرین دستاورد خوشنویسی ایران را می‌توان به ابداعات خوشنویسی سبحان مهرداد محمدپور اشاره کرد خط سبحان یک خط قانونمند همانند نسخ و ثلث بوده و قابلیت کتابت و کتیبه نویسی فارسی و عربی را دارا می‌باشد و آن را در دسته ی خطوط کامل همانند خطوط شش گانه قرار داده اند||

|| ۱۹۹۶ || || ۱۷ || و التعریف المعاصر للممارسة

|| ۱۹۹۶ || || || قصة الكتابة هي واحدة من

فن الخط فن الخط وهو نوع من الفنون البصرية|| وهو غالبا ما يطلق عل فن الكتابة فن الخط العربي هو ||فن إعطاء شكل للعلامات بطريقة معبرة ومتناغمة وماهرة||

الأدوات الأداة الرئيسية في في الخط هو القلم مشطوف الرأس والممدب و الريشة وهناك المحيره عبارة عن حبر زيتي القوام يستخدم في الكتابة وكذلك من ادوات الخط الورق عالى الجودة

في الكمبيوتر الفنانين البصريين لم يعد يقتصر عمله على وسائل الفن التقليدي || أجهزة الكمبيوتر قد تؤدي إلى تعزيز الفنون البصرية من سهولة || الأولى، ||||| أو قالب || التحرير لاكتشاف مكونات متعددة للطباعة || بما في ذلك الطباعة ثلاثية الأبعاد|| فن الكمبيوتر هو أي فن يكون للكمبيوتر دورا من إنتاج أو عرض العمل الفني|| هذا الفن يمكن أن يكون صورة صوت صور متحركة فيديو أقراص مضغوطة دي في دي لعبة فيديو موقع خوارزمية أداء أو تثبيت معرض رسوم العديد من التخصصات التقليدية إلا تقوم بدور الفنون الرقمية و نتيجة لذلك الخطوط بين العمل التقليدي للفن وعمل الوسائل الجديدة التي تم إنشاؤها باستخدام أجهزة الكمبيوتر كانت غير واضحة|| على سبيل المثال الفنان قد يجمع بين الرسم التقليدي مع الفن الحسائي وغيرها من التقنيات الرقمية|| نتيجة لذلك تحديد فن الكمبيوتر بواسطة منتجها النهائي يمكن أن يكون صعبا|| ومع ذلك، فإن النوع من الفن قد بدأ بالظهور في المتاحف والمعارض الفنية على الرغم من أنه لم تثبت شرعيتها بصورة بوضوح شاكلا قاما بذاته وهذه التكنولوجيا على نطاق واسع في الفن المعاصر تعتبر كأداة أكثر من أنها شكلا من أشكال الفن كما هو الحال مع التصوير الزيتي|| استخدام الكمبيوتر حجب الفرق بين الرسامين المصورون محترفين الصور النماذج ثلاثية الأبعاد وفنانو الحرف اليدوية|| متحركة|| البرامج التحريك والتقديم المتطورة أدت إلى تعدد مهارات مطوري الصور|| قد يصبح المصورين فنانين رقميين قد يصبح الرسامين صانعو رسوم متحركة|| الحرف اليدوية قد تصبح بمساعدة الحاسوب أو استخدام الكمبيوتر توليد الصور كقالب|| استخدام مقاطع الكمبيوتر الفنية جعلت التمييز بين الفنون البصرية ومخطط الصفحة أقل وضوحا بفضل سهولة الوصول وتحرير المقاطع الفنية في عملية ترقيم صفحات الوثيقة وخاصة للمراقبين الذين يفضلون البصيرة للرعاة||

تاریخ وینس ولندورف آرٹ دے سب توں پرانے نمونے پتھر ویلے توں لہدے نیں وینس ولندورف ۱۵۰۰۰۰ توں ۱۰۰۰۰۰ م پ دی اک زانی دی پتھر دی بنی مورتی اے جیہڑی آسٹریا توں لی سی لاسکو فرانسی چ زمنی دے اندر غارار چوں ۱۵۰۰۰۰ ورے پرائیاں جاورنر نے انساناں دیاں مورتاں کنداں دے بنیاں ملیاں نیں، ایہجان وچ انسان شکار کردیا گیا ۱۵۰۰۰۰ و.شکار۔ پتھر ویلے ۱۵۰۰۰۰ م پ لنگان تے نیولتھک ویلے ۱۵۰۰۰۰ م پ وچ انسان دے وائی بیجی دے اک تھان تے تک کر رہنا سکھایا ۱۵۰۰۰۰ ریتلان گتھلیاں ہویاں تے مذہب دے وائی مانتا پائی تے انسان دے اپنے فیدے لئی بچہ نال کئی چیزاں بنائیاں سکھایاں تے فیر کاسی ویلے ۱۵۰۰۰۰ م پ وچ پہلیاں انساناں ریتلان پوگوریاں پرانے مصر پرانے عراق فارس یوزپ ریتل چوں پرانے ہویاں روم تے اکٹا تے مایا دیاں ریتلان تے انسان آرٹ دیاں ریتلان انساناں ضرورتاں تے اپنے کول ہون والیاں شیشیوں توں بنایاں آرٹ اوچوں لکھائی دے بنیاں نال تے فیر وازاں نوں نشان دے کے تے اوہاں نوں جوڑ کے بنائی جاندی اے

3



بعض ماہرین ان کی ابتداء کو قدیم مصر سے جوڑتے ہیں اردو میں جو حروف استعمال ہوتے ہیں وہ عربی سے لیے گئے ہیں جنہیں حروف ابجد بھی کہا جاتا ہے ان کی پرانی عربی ترتیب کچھ یوں ہے ابجد ہوز حطی کلمن سعفس قرشت ثخذ ضظغ انہیں حروف ابجد بھی کہتے ہیں علمِ جفر میں ان کے ساتھ کچھ اعداد کو بھی منسلک کیا جاتا ہے جو کچھ یوں ہیں

اس طریقہ سے اگر بسم اللہ الرحمن الرحیم کے اعداد شمار کیے جائیں تو ۱۱۱۱ بنتے ہیں بعض اہل علم ہمزہ ء کو بھی ایک الگ حرف مانتے ہیں اس حساب سے پھر عربی کے انتیس حروف تہجی بنتے ہیں اردو زبان میں عربی کے ان حروف کے علاوہ مزید حروف استعمال ہوتے ہیں اردو میں ہمزہ سمیت کل ۲۷ حروف ہیں اس کے علاوہ کچھ آوازیں حروف کے مجموعے سے بھی ظاہر کی جاتی ہیں مثلاً کھ بھ وغیرہ اردو میں فنِ تاریخ گوئی کی صنف موجود ہے جس میں اشعار یا ایک مصرع سے کسی واقعہ کی تاریخ برآمد کی جاتی ہے اردو میں حروف کے اعداد حروف ابجد جیسے ہی ہیں اضافی حروف کے لیے بھی انہی سے مدد لی جاتی ہے مثلاً پ کے اعداد ب کے برابر ڈ کے اعداد د کے برابر گ کے اعداد ک کے برابر اور ے کے اعداد ی کے برابر شمار کیے جاتے ہیں